

نقش مطبوعات ادبی در ترویج وطن دوستی (باتاکید بر قیصرنامه ادیب پیشاوری)

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران^۱

دکتر علی نجفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۳۰

چکیده

منظومه ی حماسی قیصرنامه، مشهورترین اثر ادیب پیشاوری است، که مشتمل بر ۱۴۰۰۰ بیت است و به تقلید و وزن شاهنامه فردوسی سروده شده است. کثرت اطلاعات ادیب از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغت فارسی و عربی موجب گردید که شعرش مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف باشد. ادیب پیشاوری قیصرنامه را در توصیف «ویلهم دوم» امپراتور آلمان و مبارزات آلمان در جنگ جهانی اول در برابر انگلیس و هم پیمانانش سروده است. حب وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب و سیرت ادیب بود. هیچ گناهی را بزرگتر از خیانت به وطن و تمایل به اجانب نمی دانست. این مقاله مارا با یکی از برجسته ترین درون مایه های شعر وی که میهن دوستی است، آشنا می کند.

واژگان کلیدی: قیصرنامه، ادیب پیشاوری، شاهنامه، استعمار، میهن پرستی

^۱ - دانشیار زبان و ادبیات دانشگاه پیام نور، Asieh.zabihnia@gmail.com

^۲ - هیات علمی دانشگاه فرهنگیان همدان، a.najafi44@yahoo.com

مقدمه

هر انقلاب و تحول اجتماعی، در همه ی ساحت ها و ساخت ها و مناسبات تأثیر می گذارد و جامعه را به نگاه نو و اندیشه ها و روش ها و منش های تازه می کشاند. رخدادهای بزرگ، فقط شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تغییر نمی دهند، که در قلمرو هنر و ذوق نیز دگرگونی می آفرینند، در نتیجه هنر و ادبیاتی سزاوار با خویش خلق می کنند.

فرهنگ ایرانی به ویژه شعر ایرانی از دیر باز وسیله ای برای عشق به وطن و سرودی برای آزادی از یوغ بیگانگان و متجاوزان بوده است. شکوه و عظمت تاریخ ایران و آگاهی های که از اسطوره های حماسی و پهلوانی در بین مردم به جا مانده، نقش بزرگی در میهن دوستی ایرانی ها داشته است. اشعار میهن دوستی، با درون مایه های ویژه، نه تنها انعکاس دهنده ی روزگار خویش بوده، بلکه برای تهییج مردم و بیداری آنها برای دفاع از میهن و مقومات آن چون زبان، تاریخ، گذشته، طبیعت و فرهنگ نقش عمده ای داشته است. در اینجا بهتر است، یکی از آموزه های وطنی ظریف و پیر احساس از یکی از مردان بزرگ ادب ایران، علامه دهخدا که در دوران معاصر در بیشتر کتابهای درسی بیان شده است بیاوریم.

هنوزم ز خردی به خاطر در است که در لانه ی ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر خنده برگریه ام زد که : هان وطن داری آموز از ماکیان

(دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۲۵)

یکی دیگر از کسانی که درباره وطن و وطن پرستی شعر گفته است، ایرج میرزا است. ایرج میرزا می

کوشد با زبانی ساده که خاص اوست، وطن دوستی را به کودکان هم بیاموزد.

ما که اطفال این دبستانیم هم از خاک پاک ایرانیم
همه باهم برادر وطنیم مهربان همچون جسم با جانیم
وطن ما به جای مادر ماست ما گروه وطن پرستانیم
شکر داریم کز طفولیت درس حب الوطن می خوانیم
چون که حب الوطن ز ایمان است ما یقیناً ز اهل ایمانیم

(دیوان، ۱۳۵۳: ۱۹۴)

جنگ جهانی اول گرچه در اروپا آغاز شد، اما دامنه آن به تدریج به دیگر نقاط جهان از جمله ایران رسید. با اینکه دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما دولت های در گیر موضع ایران را نادیده گرفتند. در این جنگ جهانی، بازتابی در خور توجه، در ادبیات ایران زمین به ویژه شعر به وجود آمد، واکثر شاعران ایرانی به عنوان بخشی از بدنه فکری و فرهنگی جامعه، شرایط اجتماعی ایران که تنفر از دولت های انگلیس و روسیه بود آشکار کردند، ادیب پیشاوری از جمله شاعران ایرانی بود که انتقاد از تهاجم دولت های انگلیس و روسیه را موضوع برخی از اشعار خود قرار داد. در این پژوهش دیدگاه و نظریات ادیب درباره عشق به میهن و انزجار از استعمار انگلیس بررسی می شود.

مروری بر زندگی و خصال ادیب

سید احمد رضوی مشهور به ادیب پیشاوری، در حدود نیمه ی قرن سیزدهم هجری قمری، در کشور هندوستان بین خاک افغانستان و پیشاور در میان عشایر جنگجوی آن سامان دیده به جهان گشود. وی فرزند سید شهاب الدین، مشهور به سید بابا است. (بان ریپکا، ترجمه سید ابوالقاسم سری، ۱۳۸۲: ۶۵۳)

این سلسله از سادات را «اجاق» می خواندند و اغلب، صاحب زهد و تقوا و اهل ذکر و دعا بودند. محل زندگی این سادات در اراضی سرحدی بین پیشاور و افغانستان بود. اما در شهر پیشاور نیز خانه و مسکن داشتند و مردم آن سامان را به آنان اعتقادی کامل بود. واز ایشان طلب همت و کسب فیض می کردند. مادر ایشان مهد علیا نام داشت واز خاندان اشرف سادات حسینی بود. که سلسله نسبشان به امام سجاد می پیوست. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۲۷)

ادیب در خردسالی به مکتب فرستاده شد تا به کسب علم و معرفت بپردازد. وی پس از طی مراحل ابتدایی، مشغول تحصیل مقدمات علوم و ادبیات شد. پیشاور در سالهای تسلط انگلستان برهند، روزهای خونینی را پشت سر گذاشت، و به تصرف قوای انگلستان در آمد. در قیام پرشور ۱۸۵۷ که به نبرد بزرگ استقلال مشهور است، پیشاور نیز حضور پر رنگی داشت. در این نبرد خاندان ادیب، پیش آهنگ امرجهاد بودند. ادیب نیز که نوجوان بود، در این جهاد شرکت داشت. با سرکوب نبرد، پدر و بنی اعمام و غالب اقارب و ارحام ادیب به قتل رسیدند. ادیب با اصرار مادرش از میان قتلگاه بیرون آمد و به کابل گریخت. (شالچی، ۱۳۸۶: ۷۶)

وی در کابل در محضر «آخوند ملا محمد» مشهور به «آل ناصر» به کسب علم پرداخت. سپس به غزنین رفت. و دو سال ونیم در محضر «ملا سعدالدین غزنوی» دانش آموخت. سپس در مشهد نزد «میرزا عبدالرحمن مدرس» مولف تاریخ خراسان و از «مشاهیر و مدرسین» آن شهر به تحصیل حکمت و ریاضی پرداخت. همچنین در محضر «آخوند ملا غلامحسین شیخ الاسلام» علوم عقلیه را فرا گرفت. که به علت ذوق فطری و قوت حافظه، برهمگان فائق آمد. سپس در سبزوار در محضر فیلسوف «حاج ملا هادی سبزواری» و فرزندش «آخوند ملا محمد سبزواری» و در محضر «آخوند ملا اسماعیل» به کسب علم پرداخت. و بالاخره پس از رحلت سبزواری، در سال ۱۲۹۰ ه.ق. به مشهد بازگشت و به تدریس پرداخت. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۹)

شادروان میرزا محمد سعید موتمن الملک انصاری، ادیب راه، ترغیب به رفتن تهران کرد. ادیب عازم پایتخت شد و تا آخر عمر در همان شهر رحل اقامت افکند. آوازه فضل ادیب، از همان ورود به تهران به گوش اهل دانش رسید. و دیری نگذشت، که وجود پر فیضش شمع جمع ادب دوستان گشت. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۴۱)

پانوق وی "انجمن شعری" بود که هر هفته در تهران تشکیل می شد. میرزا محمدرضا کلهر، ذکاء الملک فروغی اول، میرزا علی عبدالرسولی، بدیع الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، میرزا محمدخان سدیدالسلطنه کبابی، علامه قزوینی، از کسانی هستند که محضر ادیب را درک کرده اند. و در حد وسع خویش از وی بهره گرفته اند.

ادیب پیشاوری، حافظه ای سرشار و ذهنی وقاد داشت و در کثرت و تنوع معلومات یگانه عصر خویش بود. نوع کسانی که از نزدیک به خدمت وی رسیده، و بعدها خود درافق عصر خویش در خشیده اند برای معانی گواهی می دهد.

در این میان تنها به نقل گفته ی رشید یاسمی شاعر و نویسنده و مترجم معاصر اکتفا می کنیم. که می نویسد: «افضل شعری که در این دوره در گذشته اند سیداحمد پیشاوری و... است. از لحاظ جامعیت و کمال فضل و احاطه بر علوم متنوعه و تتبع در ادبیات ایران و عرب، هیچ یک از شعرای معاصر را نمی توان برتر از وی شمرد.

نیز می گوید: « در مجلسی که ادیب حضور داشت، در هیچ فنّی از فنون ادب و شعبه ای از شعب علوم قدیمه کسی را یارای فضل نبود. گفتار در ریاضی والهی و تاریخ و شعر، برهان قاطع بود. زیرا که حافظه نیرومند او اندوخته ی هشتاد ساله را چنان حاضر و آماده داشت که گویی کتابی منشور و لوحی مسطور است. به اندک التفاتی متن اسناد و عین اشعار را به خاطر آورده، می سرود، و دعوی را قرین فیصله می کرد. (رشید یاسمی، ۱۳۵۲: ۱۱-۱۰)

مقام و فضل علمی و ادبی ادیب، چنان بود، که ناصرالدین شاه قاجار به ملاقات او رغبت جست. و او را به نزد خود فرا خواند. و «ذکاء الملک فروغی اول» (میرزا محمد حسین خان) که از ادبا و نویسندگان وقت و نیز «رئیس اداره انطباعات دولتی و ناظم دارالترجمه خاصه همایونی» بود، در دیباچه ای که به سال ۱۳۰۷ هجری قمری، بر تاریخ بیهقی نگاشته است، ادیب را «جناب سیدالحکماء، سند العلماء، اسناد الابداء و مرجع الاشیاء والافاضل، مدقق زمان، محقق دوران، قبله ی اهل معرفت و کعبه ی زائرین دل» نامیده است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰، صص ۴۱-۴۰) ادیب در ماه صفر ۱۳۴۹ هجری قمری پس از یک سکنه ناقص که منجر به فلج او شد، در گذشت. جسد وی در «امامزاده عبدالله» (شاه عبدالعظیم) به خاک سپرده شد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۹۳)

۲- آثار ادیب

از ادیب آثاری مکتوب برجای مانده است. که از جمله این آثار می توان به دیوان اشعار وی، که به همت مرحوم عبدالرسولی جمع آوری و منتشر شده است، اشاره کرد. البته این دیوان شامل همه ی اشعار ادیب نیست. و برخی از اشعار او از دست رفته است. «رساله ای در قضایای بدیهیات اولیه، رساله ی نقد حاضر در تصحیح دیوان ناصر خسرو، مثنوی قیصر نامه، ترجمه و شرح مختصری بر اشارات شیخ الرئیس بوعلی سینا، تصحیح و تحشیه ی تاریخ بیهقی، و چند جلد دست نویس پیرامون شرح اقوال حکما و مشکلات اشعار شعرای عرب از دیگر آثار ادیب پیشاوری است. (یان ریپکا، ترجمه ابوالقاسم سری، ۱۳۸۲: ۶۵۳)

مرحوم آیت الله حاج سید عزالدین حسینی زنجانی، به نقل از مرحوم اورنگ، سخن از تعدادی کتاب و دفتر گفته است: که ادیب حاصل سالهای پژوهش و تحقیق خویش در پاره ای از علوم را، در آنها به رشته تألیف و تصنیف کشیده اما شخصی آنها را ربه و فروخته است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۲۲۳)

ادیب و اهتمام به سیاست

تبحر ادیب در علوم گوناگون، مانع توجه دقیق وی به مشکلات اجتماعی مسلمین نبوده و همواره به مصائب ایران زمین و دفع تجاوز استعمار از سرزمین های اسلامی می اندیشید. دو کتاب شعر وی (به نامهای دیوان و قیصرنامه) سرشار از اشعار استوار، در شرح تجاوز دول اروپایی به شرق و تحریر مسلمانیان به قیام برضد استعمار است.

بررسی محتوای قیصرنامه

تحلیل محتوایی قیصرنامه نشان می دهد که مهمترین موضوعات سیاسی و اجتماعی که در اشعار ادیب مطرح شده است به ترتیب اهمیت و کثرت کاربرد به شرح زیر است.

۱- تشویق مردم به میهن دوستی

- ۲- مخالفت با دخالت بیگانگان
- ۳- ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد
- ۴- تلاش برای بیداری ملت
- ۵- مذمت وطن فروشی
- ۶- باستان گرایی و تفاخر به پیشینه تاریخی
- ۷- دعوت به اتحاد

تشویق مردم به میهن دوستی

گسترده ترین موضوع شعر ادیب وطن و وطن دوستی است. با وجود آن که وطن دوستی در جامعه ایرانی و تاریخ ادبیات فارسی سابقه طولانی دارد، اما در قیصرنامه ی ادیب کاربرد خاص یافته است. ادیب سعی داشته با سرودن اشعار وطنی در تهییج افکار عمومی و تشویق مردم به وطن دوستی تأثیر بگذارد.

تو ای پروریده به خون دلم	چگونه زمهر تو دل بگسلم
در آغوش نازت بپرورده ام	چو شمع طرازت برآورده ام
نداری زین هیچ پاس مرا	فراموش کاری سپاس مرا
به هنگام پوزش به گاه سجد	پیمبر مرا قبله ی تو نمود
که چون پیش یزدان نیایش کنی	سوی من ببايد گرایش کنی
روان را به دوزخ از آن سوختی	که این رمزها را نیاموختی

(قیصرنامه: ۴۰)

مخالفت با دخالت بیگانگان

از دیگر موضوعات شعر ادیب مخالفت شاعر با دخالت بیگانگان در امور مملکت بوده است. بخصوص انگلیس که با سیاست مزورانه خود نخست از در دوستی در می آید. ادیب در اشعارش می کوشد تا ایرانیان را از خطر و فتنه کشور انگلیس و روس آگاه کند. مردم را به مقابله با آنان تشویق نموده است.

دانای پیشاور، استعمار انگلیس را در عصر خویش ، «دشمن اصلی» امت اسلام می شناخت و هیچ یک از جهانخوران وقت را ، از جهت عمق دشمنی و وسعت و شدت توطئه برضد مسلمین، با وی برابر نمی نهاد. ادیب سیاست خارجی انگلیس را در قیاس با سایر دول غربی از پیچیدگی و ظرافت بیشتری برخوردار می دید و معتقد بود که دیپلماسی انگلیس به لحاظ مکر و افسونی که در تار و پود آن به کار رفته برای شرقیان دیر فهم تر، فریبنده تر و لاجرم خطر سازتر است. وی در دیوان و قیصرنامه کراراً به وصف شومی و پلیدی استعمار انگلیس و بیان شدت و ظرافت خطر وی برخاسته و در این راه از تعبیرها و تمثیلهای ظریف و زباندار سودجسته است.

جادوی مردم فریب ، کیمیا ساز زر پرست ، افعی عالم گزای ، گرگ روبه منش، کرکس زر ربای. (ابوالحسنی ، ۱۳۸۰: ۶۹)

وی دستگاه حاکمه ی انگلیس را، بی استثنا، شیطان ماب و ابلیس خو می شمرد و حتی آن دسته ای را نیز که در صدر مشروطه خود را هوادار آزادی و پیشرفت ایران جا زده بودند، اما بعدها در ماجرای قرارداد ۱۹۱۹ دست خویش را رو کردند ، "نرم گویان دل پرستیز" می خواند. (ابوالحسنی ، ۱۳۸۰: ۷۰)

ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد

فجایع نو به نو برای ادیب که همواره تجربه تلخ هند را پیش دید داشت هرگز تحمل پذیر نبود، و ترس از داغ و درفش و ثوق الدوله یا برق سکه های زر نیز نمی توانست، نفس آن دیر آشنای عرصه ی پیکار را درسینه محبوس سازد. به قول عبدالرسولی، «حب وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب وسیرت او بود. هیچ گناهی را بزرگتر از خیانت به وطن و تمایل به اجانب نمی دانست». (ادیب پیشاوری، ۱۳۶۲: ۶)

اندوه محو استقلال ایران به دست کسانی که در ازای مثنی زر، مام کهنسال میهن را هم آغوش دیو استعمار می خواستند از گنجایش صبر و طاقت ادیب افزون بود. این چنین بود که ادیب در مجلسی که و ثوق الدوله حاضر بود، در جواب سوال و ثوق الدوله از سرسلطه انگلیس بر کشور وسیع هند، آشکارا وی را عامل بیگانه واز قماش اجنبی پرستانی شمرد که سرزمین هند را به تاراج انگلیس دادند.

منم پور ایران وبرمام خویش مرا غیرت آید زاندازه بیش
به بیگانه نفروشم این مام را کجا زشت و ننگین کنم نام را
به آتش بسوزم تنی را که او خلاف آورد اندر این گفتگو
(ادیب پیشاوری : ۴۳۱)

تلاش برای بیداری ملت

انشاء اشعار حکمت آمیز و ایراد ابیات عبرت انگیز از جمله فضایل ادیب بوده و غالب افکار بلند وی از همین راه به دست ما رسیده است. ادیب در قیصرنامه با آوردن داستانها و مثل ها مردم را دعوت به بیداری و آگاهی در برابر استعمارگران فراخوانده است، و صراحتاً دخالت آنها را در امور داخلی ایران به منظور چپاول ثروت ملی می داند.

چراغان ایران شود آن زمان که اندرز من تان فرزند روان
روان بر فرزندین پندها به دل مدوزید ترنندها
ز ترند ابلیس طبعان رهید به دین بگروید و سوی دین چمید
(ادیب پیشاوری، ص ۴۸۰)

دهه ی آخر عمر ادیب، سالهای اوج نفوذ، دسیسه و توطئه انگلیس در خاورمیانه بود. از قدس و حجاز و ترکیه و عراق گرفته تا هند و افغان، زمین از سلطه ی کارگزاران انگلیس به خود می پیچید. بالخصوص ایران اسلامی هر روز از سوی استعمار بریتانیا صدمه ای تازه می دید.

ادیب در اشعار خویش بر ضرورت دین و دینداری، به عنوان تنها راه نجات شرقیان از یوغ استعمار، تأکید فراوان دارد. زمانی که آزادی و یکتاپرستی از آفاق دارالاسلام همچون خورشید دامن فراچید، وزمانی که حبّ دین و عشق به میهن اسلامی جای خویش را به حرص دست یابی به درهم و دینار بیگانگان داد، دیو استعمار فرصت یافت که کران تا کران شرق را در اختیار گیرد و همچون ماری برگردسیاست و اقتصاد و ارتش و فرهنگ آنان چنبره زند. وطن فروشان نیز، از جاده ی بی دینی و لابیالی گری، به چاه خیانت می روند. وی با تعریض به عوامل قرارداد ۱۹۱۹ می گوید:

پری زاده ای، دیو را بندگی کنی؟ اینت بد، روز و، بد زندگی
نه مطواع ایزد، نه آزاده ای که گردن بدین چنبرزده ای

زتو گر که ایزدپرستی بدی
 گرت خوی آزادگان درنهاد
 کجا دیو را برتودستی بدی؟
 بدی، بودئی کی بدین بند شاد؟
 که برکیش وبرخویش ننگ آوری
 که دینار ودرهم به چنگ آوری
 نکردم زنرد دغاگر حذر
 که نگرفتم از مصر وهندو، عبر
 (پیشاوری: ۴۹۳ و ۴۹۷)

تشخیص مرض نیمی از درمان است وریشه ی درد که معلوم شد پیچیدن نسخه ی درمان چندان مشکل نیست: اگر مسلمین، به کیفر سست عهدی خویش با صاحب شریعت است که از دیو غرب قفا می خورند و جفا می بینند، بنابراین راه چاره، نیز منحصر در تجدید حیات دین است، وجز با تقویت شور و حال دینی وغیرت مذهبی امکان رهایی از این دیو نیست. ادیب براین باوراست که دیو استعمار، هرچندبه صورت آدمی است، اما در معنی نسب از ابلیس دارد؛ همان ابلیس پر تلبیسی که آدم ابوالبشر (ع) را با مکر وحیلت بفریفت واز بهشت نعمت حق بیرون کرد.

بنا به باور ادیب، هرکس که گام در عرصه مصاف با این دیو پرمکر گذارد، گوش وبینی خویش برباد خواهد داد وشکست خورده از میدان خواهد گریخت، جز مرد دین که دین وخرد، سلاح پیکار وحصن استواری وی اند.

هر آنکس که او بند وساز آورد
 تو اش یادگاری زابلیس دان
 ره و رسم ابلیس بساز آورد
 نه از تخمه ی شیث وادریس دان
 دهد هرکسی زین فریبین نهاد
 به جز مرد دین، گوش وبینی به باد
 که دین وخرد، خودسلاح وی اند
 نگهدار حصن صلاح وی اند
 فریبنده را نیست دین وخرد
 که بفریفتش مکر این دیو بد
 (ادیب پیشاوری، ۵۸۵ و ۵۵۹)

آری، تنها آزادگان دیندار و وطن خواه اند که از ابلیس استعمار فریب نمی خورند و تنها اینانند که می توانند به زور بازوی دینداری، چنگ و دندان گران حریص غرب را بشکنند و مجد پیشین را به اسلام باز گردانند.

مذمت وطن فروشان

دیوان ادیب ونیز مثنوی قیصرنامه سرشار از قدح قرارداد ۱۹۱۹، تحذیر شدید از مکر انگلیس وپرخاش تند به وثوق الدوله ودستیاران اودر آن خیانت بزرگ است، خاصه در قیصرنامه ضمن تفسیر سوره یوسف -علی نبینا وآله وعلیه السلام- وتطبیق خیانت برادران وی به عاقد ایرانی قرارداد، در این معانی داد سخن داده است. به نقل از منذرنویسنده کتاب آینه دار طلعت یار صفحه ی ۲۷۰ از دیدگاه این کتاب، تنها فرزندان یوسف نبی (ع) یوسف ستیز ویوسف فروش نبودند. بلکه کسانی چون وثوق الدوله نیز که در عصر قاجار در مقام فروش یوسف ایران به ثمن بخش به قافله ی سوداگران انگلیسی برآمدند، عدل یوسف فروشان کنعان بودند. تشابه حال ایران ویوسف که هردو از جور خویش و بیگانه صدمه دیدند، ادیب را برآن وا می دارد که به شرح منظوم داستان حضرت یوسف پردازد ودر خلال آن جای جای گریز به توطئه ودسائس استعمار نسبت به ایران بزند وسازش برخی از فرزندان ناسپاس میهن اسلامی را به باد پرخاش واعتراض گیرد.

تو ای خاک ایران بدین گلرخی
به تو برآشفته خویشان تو
زیستان تو شیر نوشندگان
نخستین، به تلبیس ابلیس تو
دگر باره این دیو آتش نژاد
به اوباش مردم عروسیت کرد
چو این فتنه بنشست اندر زمان
تورا ناخلف بچه بسیار بود
چو این ناخلف بچه برکار کرد
همه هرچه گفت او شنیدن گرفت
چو همیان زر زو گرانبار کرد
(ادیب پیشاوری: ۴۵۳)

یا:

به گیتی درون دیده بگشای تو
اگر داری فر عقل وهوش
که معنی یک است و عبارت دگر
دویوسف تبه کن به گیتی شمر
یکی آنکه کرداو برادر تباه
نخستین، به پوزش زبان برگشاد
دگر فخر کرداز گناهی که کرد
که ایران به دست کپی بچگان
(ادیب پیشاوری: ۴۷۲)

گمانم همان یوسف فرخی
چو گرگان زده برمیشان تو
تورا گشته ایدون فروشندگان
شدی بیوه همچون فرنگیس تو
همه هرچه بودت به تاراج داد
لگدکوب بی باک روسیت کرد
به مکر دگر برگشاداو زبان
که مر دیو را یاور و یار بود
پی خویشتن گرم بازار کرد
به بال و پر او پریدن گرفت
زر و سیم در خانه انبار کرد

به چشم خرد کن تماشای تو
نگر یوسف ویوسف فروش
یکی سود و، شکل تجارت دگر
شنیده یکی دان و دیده دگر
دگر کرد چه؟ روز مادر سیاه
به حجت نشد همچو ابلیس شاد
بدین خیره چشمی که دید است مرد
دهد تا ستاند درم رایگان

باستان گرایی و تفاخر به پیشینه ی تاریخی

از موضوعات دیگری که در شعر ادیب راه یافته، و وسیله ای برای تهییج مردم برضد ظلم و استبداد داخلی و خارجی قرار گرفته، بیان افتخارات گذشتگان و مقایسه ی آن زمان با عظمت و عزت گذشتگان است.

دانای پیشاور نیز حبّ وطن و عشق به استقلال مملکت، مذهب و سیرت او بود. وی ضمن مذمت شدید آن دسته از ایرانیان بی حمیت، که ناظر اشغال کشور خویش از سوی متفقین بودند و بدتر از آن کسانی که مام وطن را در ازای رشوتی ناچیز به دیو استعمار می فروختند، می گوید:

توضحاک زاده ای فریدون نه ای
تو ای داده برباد آب و گِلّت
مرا در جگر آتش افروخته است
ندانند پزشکی مرا درد چنند
درخشید گر از کرانی درخش
جگرگاه دیوان خیره شکافت
توانادان از اینها نه دانا شوی
(قیصرنامه، ص ۲۰)

که از کین پرمایه دل خون نه ای
مپیچان از این گفته ی من دلّت
کز آن مغز و هوشم همه سوخته است
زیشک گرازان در این کشتمنند؟
به مازندران شد خداوند رخش
ابا پهلووانان به ایران شتافت
نه برکار خود بر توانا شوی

از دیدگاه قیصرنامه ، تزار مخلوع روس ، که چشم طمع به خاک ایران داشت و در اواخر عمر خویش افراسیاب وار، بخشهایی از شمال کشورمان را پایمال چکمه پوشان خویش ساخته بود ، تالی، بلکه ضحاک ثانی بود واستعمار انگلیس نیز کرم هفتواد دیگری که از عصاره ی دسترنج شرقیان پهلوبرآورده ورشدهی سرطانی یافته بود. از دیدگاه کتاب قیصرنامه، ایران زمین جهت نجات ورهایی خویش نیاز به فریدون خصلتی داشت، که از کین پرمایه دل خون شود وصلای قیام درافکنند واز هرگوشه ای کاوه ای به یاری اوستابد و بسیط میهن را از لوٹ بیگانگان فزون خواه وسلطه جوی پاک سازد .

ادیب زمانی که رزم شیران تنگستان را در بیشه های جنوب ایران می شنود، پیرانه سر جوانی می کند ودر اییاتی بلند، فردوسی وار دَرّ ذری نثارشان می کند ولعل بیجاده در پایشان می ریزد. اشعار رزمی ادیب در دیوان وقیصرنامه، گاه جلوه گر سماع شمشیر در عرصه ی پیکار، و گاه صورتگر غرّش رعد برستیغ کوهسار. در ضرب آهنگ کلامش، آنجا که به وصف جنگ گردان ژرمن یا شیران ایران، باگراگان روسی و روبهان انگلیسی بر می خیزد، توگویی طبل جنگ می کوبند، نام و ننگ می جویند و سر و دست می رویند...!

نثار آورم پارسی زاده را	ز دریا و کان لعل و بیجاده را
به شیراز در سال و مه سور باد!	رخ پارسی زاده پرنور باد
صدف از هوا گهربار شو	تو ای ابر نیسان ، صدف زار شو
هزار آفرین بر دلیران پارس	گهربار برفرق شیران پارس!
همیدون بزی شادمان سال دیر	تویی یادگار از جم واردشیر

(قیصرنامه : ۵۱-۵۰)

دعوت به اتحاد

ادیب مردم را به همدلی واتحاد دعوت می کند. اختلافات را شدیداً تقبیح می کند و همگان را حول محور اسلام به پرهیز از نفاق وشقاق می خواند.

سخن ها بسی کرده ام باتو یاد	تو ای مهر افزای فرخ نژاد
زهر گونه پندیت دادم فـرـه	گشادم بسی بر تو بسـتـه گره
به کین سیاوش فرامرز باش	برو دانش آموز ودیـن ورز باش
که خوردی زیستان اوشیرپاک	سیاوش کدام است ؟ این توده خاک
رهانـد شمارا ز هر جادویی	زییرامن دل ستردن دویی
زدل رنگ هر جادویی بسترید..	شوید وره یکـدلی بسپرید
قوی پشت باشید از یکدیگر	چوپچگان یک مادر ویک پدر

(ادیب پیشاوری: ۸۱-۷۹)

نتیجه گیری

بیشترین، اشعار ادیب در وصف استعمار و افشای مظالم وجنایات بریتانیای کبیر آن روزگار اختصاص دارد که به لحاظ مستعمرات (از هند تاشمال وجنوب آفریقا) دشمن اصلی ملت‌های مسلمان شمرده می شد. یکی از این مظالم، تلاش بریتانیا برای تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله برایران اسلامی بود که هدف از آن سلطه برمقدرات این سرزمین واستثمار ذخایر غنی ونیروهای انسانی آن در جهت پیشبرد اهداف شیطانی خویش بود.

به طور کلی از مباحث مطرح شده نتیجه می گیریم که:

- ادیب پیشاوری در شمار شاعرانی است که ملی گرایی و میهن پرستی را ستوده است. همین که ادیب این کتاب را در سن بالا درباره ی جنگ جهانی نگاشته است، به ما نشان میدهد که تا چه اندازه روح زمان و اندیشه ی بیداری ملی ملت خود را، دریافته است.

- انگیزه ی عمده ی حکیم پیشاور بیداری خفتگان، ارشاد جاهلان، دوستان را مایه ی هشیاری و قیام، و خصم تجاوزگر را موجب دهشت و هراس است.

- این منظومه ی حماسی در طول تاریخ چشمه ی جاری و کانون جوشانی شد برای تقویت روح مبارزه. گسترش شور حماسه در مردم این دیار و تحریض آنان به پاسداری از مرزهای میهن، و همچنین جهت بازیابی و بازسازی عزت، مناعت، کرامت، و هویت شایسته ی خویش در بستر تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی و نیز رهایی از یوغ سلطه ی مهاجمان.

- ماخذ ضروری و مفید و ارزشمندی برای مطالعه و تحقیق پیرامون گذشته های پر نشیب و فراز کشورمان شد.

- تأکید آن بزرگمرد بردو عنصر وطن خواهی و دین داری که در اصلاح فرد و جامعه اکسیر کار ساز است.

- ادیب در تمامی عمر با دوان و ددمنشان خاصه با خائنان به میهن اسلامی، ستیزی سخت داشت. و به شهادت اشعار بسیاری که در جنگ جهانی اول سرود، از نفوذ و سلطه استعمارگران بر جهان اسلام و شرق به غایت رنج می برد. و در حد خویش به اصلاح و بیداری مسلمین می کوشید.

منابع

- ۱- ابوالحسنی، علی، (۱۳۸۰)، آینه دار طلعت یار، چاپ دوم، تهران، انتشارات امید انقلاب.
- ۲- ایرج میرزا، جلال الملک، (۱۳۵۳)، دیوان، به کوشش محمد جعفر محجوب، تهران
- ۳- رضوی، سید احمد، مشهور به ادیب پیشاوری، (۱۳۶۲)، دیوان، طبع و تصحیح علی عبدالرسولی، چاپ دوم، سلسله نشریات «ما».
- ۴- رضوی، سید احمد، مشهور به ادیب پیشاوری، نسخه خطی قیصرنامه، کتابخانه ملی، بی تا
- ۵- رشید یاسمی، غلامرضا، (۱۳۵۲)، ادبیات معاصر، چاپ دوم، تهران، انتشارات ابن سینا
- ۶- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، ج ۱، تهران، امیرکبیر
- ۷- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۶)، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، تیراژه
- ۸- زرقانی، سیدمهدی، (۱۳۸۸)، تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی، تهران، انتشارات سخن.
- ۹- شالچی، امیرحسین، (۱۳۸۶)، تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه.
- ۱۰- ریپکا، یان، (۱۳۸۲)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ی ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات سخن.

The role of literary press in promoting patriotism (With the testimony of Adib Peshawari's Qaissrat)

Dr. Azia Zabih Nia Amran³

Associate professor of language and literature at Payame Noor University.

Dr. Ali Najafi⁴

Assistant Professor of Language and Literature, Farhangian University of Hamedan

Abstract

The epic poetry of Khezar-e Sharqi, the most famous literary work of the Prophets, consisting of 14,000 bits, is composed of the imitation and weight of Ferdowsi's Shahnameh. The vast array of literary information from different Islamic and different languages of the old and its Persian and Arabic dialects caused its poetry to be mixed with information and knowledge. . Adeib wrote the pre-Quran in the description of "The William II" of the German emperor and the German battles in the First World War against Britain and his allies. Homeland and love were the independence of the country, religion and literature. He did not consider any sin greater than betraying his homeland. This article introduces us to one of the most prominent elements of his poetry that is patriotic.

Key words: Qais-pars, Adib Peshawar, Shahnameh, Colonialism, Patriotism

³ - Asieh.zabihnia@gmail.com

⁴ - a.najafi44@yahoo.com